

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

## مبحث رزق (سؤالات)

**پرسش اول:** اینکه در روایات داریم کارهایی هست که رزق را زیاد می‌کند، با اینکه رزق هرکس

متناسب با حال درونی او تنظیم شده است، چگونه قابل جمع است؟

**پاسخ:** مواردی که در روایات داریم که رزق را زیاد یا کم می‌کند، هیچ‌یک جنبه‌ی اقتصادی ندارد.

نماز شب، بیداری بین‌الطلوعین، صله‌ی رحم و استغفار رزق را زیاد می‌کند؛ ولی هیچ‌یک جنبه‌ی

فعالیت اقتصادی ندارد. همه‌ی این‌ها حال روحی شما را تغییر می‌دهد، حال بیمار که تغییر کرد، دکتر

نسخه را عوض می‌کند. همه‌ی عواملی که بر میزان رزق مؤثرند، از همین مکانیزم پیروی می‌کنند.

ادامه‌ی پرسش اول: مگر نظام علیّ و معلولی بر رزق حاکم نیست؟

**پاسخ:** بله، نظام علیّ و معلولی حاکم است؛ منتها شما در تشخیص علت دچار اشتباه شده‌اید.

**پرسش دوم:** گفتید رزق ما همان است که مصرف می‌کنیم. آنچه مصرف نمی‌کنیم رزق ما نیست؟

**پاسخ:** رزق هرکس، همان است که مصرف می‌کند و همان میزان از رزق برای او مناسب است. همان

شخصی هم که در زندگی با محدودیت منابع غذایی یا مالی مواجه است، همان مقدار رزقی که خدای

متعال برایش مقدر کرده، همان مقدار برای او مناسب است؛ منتها همانطور که قبلاً هم گفته‌ایم،

چیزی که خدای متعال مقدر می‌کند، مثل داروست. دارو مناسب حال بیمار است؛ اما دارو زمانی اثر

می‌کند که بیمار متناسب با دستورالعمل پزشک با آن رفتار کند. معمولاً ما این بخش دوم را فراموش

می‌کنیم.

فرض کنید من در شرایط تنگنای اقتصادی قرار گرفته‌ام؛ مثلاً، در خانواده‌ای فقیر متولد شده‌ام. این شرایطی است که خدای متعال برای من مقدر کرده و لازمه‌ی رشد من همین بوده‌است. اما این شرایط، زمانی به رشد من منجر می‌شود که ببینم خدا در دین گفته وقتی در شرایط فقر قرار گرفتی، چگونه رفتار کن. منتها این قسمت را معمولاً فراموش می‌کنیم. شرایطی که خدا برای من پیش آورده، بهترین است؛ اما اثر این شرایط وقتی در من ظاهر می‌شود که من با آن درست رفتار کنم؛ از این شرایط به‌درستی بهره بگیرم. خدا گفته وقتی فقیرت کردم، چه کار کن؟ گفته برو دزدی کن؟ برو شخصیت خودت را به پای افراد ثروتمند بریز؟ چاپلوسی و تملق‌گویی آنها را در پیش بگیر؟ رشوه بگیر؟ خودفروشی کن؟ وطن‌فروشی کن؟ یا نه، گفته من به تو فکر، نیرو و بازوی توانا داده‌ام. بلند شو تقلاً و تلاش کن. اگر آن‌گونه که خدا گفته، عمل کنم، بهترین بهره را از شرایطی که خدا برای من پیش آورده بود، برده‌ام و مشکل فقرم هم حل می‌شود. چون شرایط روحی من تغییر کرد، خدا شرایط بیرونی را هم تغییر داد؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup>. اینکه می‌گوییم خدای متعال رزق را مقدر کرده، به این معناست که قدر و اندازه‌ی این دارو متناسب با حال بیمار تنظیم شده است. پزشک مقدر کرده که بیمار چه دارویی و به چه میزانی بخورد. تقدیر، کار پزشک است ولی این تقدیر ناشی از حال بیمار است. اگر بیمار طبق دستورالعمل‌های پزشک از دارو استفاده کرد، حال او عوض می‌شود. حال بیمار که تغییر کرد، دکتر هم نسخه‌ی او را تغییر می‌دهد. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» لذا می‌بینید مشکل فقر هم حل شد؛ چون خود فقر و ثروت، اصالتاً موضوعیت ندارند؛ چیزی که موضوعیت دارد؛ تعالی، رشد و تکامل انسان است. برای بعضی‌ها در شرایط ثروت و برای بعضی‌ها در شرایط فقر، تعالی و تکامل حاصل می‌شود. تعالی که ایجاد شد؛ آن شرایط خاصیت خود را بخشید و دیگر لازم نیست ادامه پیدا کند؛ لذا شرایط تغییر می‌کند؛ مثلاً، اگر فقر بود، به ثروت تبدیل می‌شود.

---

<sup>۱</sup> سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۱.

**پرسش سوم:** اگر رزق ما را خدا تضمین کرده؛ پس نباید چیزی پس انداز کرد؟

**پاسخ:** این وابسته به درجه‌ی یقین انسان است. اولیاء برجسته‌ی خدا همین‌گونه‌اند. اولیاء برجسته‌ی خدا به تعبیری دست به دهان هستند؛ یعنی همان چیزی را که تحویل می‌گیرند، می‌خورند و اضافی آن را هم می‌بخشند؛ چون یقین دارند در وعده‌ی بعد هم، همان کسی که روزی وعده‌ی قبل را داد، سر جایش است و رزق آن وعده را هم می‌دهد؛ منتها چون یقین و اعتماد ما کامل نیست، به ما اجازه داده‌اند که تا حدّ یک‌سال ذخیره‌ی غذایی نگاه داریم. مثلاً اگر خواستی برای خانه برنج بخری، به اندازه‌ی مصرف یک سالت بخر و در خانه‌ات داشته باش. البته اینکه چنین اجازه‌ای داده‌اند، به خاطر ضعف یقین ماست؛ یعنی مشکل، ماییم؛ والا اگر یقینمان به رزاقیت خدا کامل بود، اصلاً نیازی به این کار نبود؛ ولی چون یقین و اعتماد ما ضعیف است، در روایات تا یک‌سال را اجازه داده‌اند؛ ولی بیش از یک‌سال را اجازه نداده‌اند. ضمن اینکه اگر شما در آینده نیاز به پول زیادی داشته باشید که الآن فکر می‌کنید پول‌های خود را جمع کنم تا مبلغ مورد نظر تأمین شود، باید بدانید که خدا در همان زمانی که نیاز دارید، همان پول زیاد را به دست شما خواهد رساند. البته همانطور که گفتم، این در حدّ ما نیست؛ این درجه‌ی اهل یقین است. آنها یقینشان چنان کامل است که اصلاً نسبت به این قضیه شک ندارند و به روشنی می‌بینند که در و دیوار، رزق آنها را به آنها تحویل می‌دهد. ما چون شک داریم، آرام نمی‌گیریم و تقللاً می‌کنیم و به این طرف و آن طرف می‌دویم؛ لذا گاهی اوقات رزق می‌آید و ما جاخالی می‌دهیم و از دستمان در می‌رود. چون ما هنوز آن ثبات، استقرار و اطمینان را نداریم؛ هنوز نفس مطمئنّه نداریم؛ به ما اجازه داده‌اند که پس‌انداز هم بکنیم؛ والا افرادی که یقین دارند، می‌دانند که اگر فردا به پول زیادی نیاز داشته باشند، همان خدا، فردا همان پول زیاد را می‌رساند. نیازی نیست که از امروز برای فردای خودم ذخیره کنم؛ منتها این حرف‌ها مربوط به مدارج بالاتر از ما است. امیدواریم خدا آن اعتماد و یقین را روزی همه‌ی ما بکند که رزقمان را نقد به نقد تحویل بگیریم و مصرف کنیم. هیچ چیز پس‌انداز نکنیم. برای آینده‌ی خود به فکر رزاق آینده‌مان باشیم، نه به فکر

ذخیره کردن رزق برای آینده. ولی این در حدّ بالایی است، باید به آن حدّ بالا رسید، وگرنه من که نگرانی دارم، این نگرانی روحی باید به گونه‌ای آرام بگیرد، ولو با پس‌انداز کردن.

**پرسش چهارم:** اگر خداوند رزق هر مخلوقی را تضمین کرده است، پس کنترل موالید و تنظیم خانواده را باید کنار گذارد.

**پاسخ:** اگر تنظیم خانواده، ناظر بر شک نسبت به رزاقیت خداست؛ بله، همین حرفی که شما زدید، درست است؛ اما ممکن است ناظر بر چیزهای دیگری باشد؛ یعنی لازم نیست فقط شک نسبت به رزاقیت خدا، انگیزه‌ی کنترل موالید باشد. بله، تفکر غربی‌ها این است.

تقریباً از یک قرن و نیم قبل، مسأله‌ی گرسنگی و نگرانی نسبت به آن به صورت جدّی در دنیا، او بعدها] در سطح سازمان ملل متحد و در سازمان خواروبار جهانی، مطرح شد. نگران این بودند که منابع غذایی زمین کفاف جمعیتی که به وجود می‌آید را نمی‌دهد و معتقد بودند که باید جلوی ازدیاد نسل را گرفت. حتی بعضی گفتند باید جنگ به راه انداخت و یک عدّه را در جنگ‌ها از بین برد تا انسان‌ها گرسنه نمانند. این تفکر ناشی از شک نسبت به رزاقیت خداست و غلط است. حتّی از نظر علمی هم این حرف‌ها قابل نقد است؛ یعنی حرف‌هایی که روزهای اوّل خیلی پر رونق بود، بعداً که متفکران و متعمّقان عرصه‌ی علم، درباره‌ی آن به صورت علمی بحث کردند، معلوم شد که بسیاری از آنها از ابعاد واقعی خود خارج، و به غلو تبدیل شده است. در دنیایی که کشورهای بزرگ دنیا فقط به-خاطر اینکه بازار اقتصادی و قیمت غلّات و محصولات کشاورزی را کنترل کنند، میلیون‌ها تُن مواد غذایی را در دریا می‌ریزند؛ گندم و غلّات مختلف را در دریا می‌ریزند؛ با این استدلال که اگر عرضه زیاد شود، قیمت در بازار پایین می‌آید؛ - از این مسائل خبر داریم و چیز پوشیده‌ای نیست - در این دنیا، اینکه ما با مشکل گرسنگی مواجه هستیم، به خاطر کمبود منابع غذایی است؟ اگر همین گندم‌هایی که الآن در دریا ریخته می‌شود را به کشورهای آفریقایی بدهند، آنجا دیگر مشکل گرسنگی نخواهد بود. مضافاً بر اینکه سرمایه‌های گزافی در دنیا برای ساختن جنگ‌افزارها و به راه انداختن جنگ‌ها صرف می‌شود. هواپیماهای نظامی، موشک‌های دوربرد هدایت‌شونده و سلاح‌های بسیار پیچیده‌ی مدرن و

فوق مدرنی که امروزه در ارتش کشورهای دنیا هست، قیمت‌های بسیار بالایی دارند، اگر پولی که برای تولید، خرید، انباشت و مصرف شدن این سلاح‌ها در صحنه‌ی جنگ‌ها و درگیری‌ها هزینه می‌شود، در عرصه‌ی تولید منابع غذایی متمرکز شود، باز هم در کره‌ی زمین مشکلی به نام گرسنگی خواهیم داشت؟ اگر در دنیا توزیع عادلانه‌ی ثروت اتفاق بیفتد؛ یعنی این‌گونه نباشد که درصد قلیلی از مردم کره‌ی زمین، از شدت سیری بترکند و تعداد زیادی از مردم زمین به دلیل غارتی که شده‌اند، به‌خاطر گرسنگی از پا دربیایند؛ اگر عدالت اقتصادی حاکم شود، مشکل گرسنگی در کره‌ی زمین حل خواهد شد. حساب کرده‌اند اگر ته‌مانده‌ی غذاهایی را که در کشورهای مرفه‌ی غربی دور ریخته می‌شود، جمع کنند، همین مقدار غذا برای حلّ کامل مشکل گرسنگی کشورهای جهان سوم کافی‌ست؛ همین غذاهای اضافه‌ای را می‌گوییم که ته بشقاب‌ها می‌ماند و دور می‌ریزند. اینها همان نکاتی است که اسلام گفته باید رعایت شود. اگر این ملاحظات رعایت شود، مسأله‌ی گرسنگی که انگیزه‌ی کنترل جمعیت شده و به ایجاد جنگ و کشتار مشروعیت بخشیده است با این توجیه که یک عده باید این‌گونه از بین بروند تا از تعداد افراد نیازمند به غذا کم شود، حل می‌شود و این پیامدهای منفی نیز از میان می‌رود. آن‌وقت انگیزه‌ی کنترل جمعیت، دیگر مسأله‌ی گرسنگی و شک نسبت به رزاقیت خدای متعال نخواهد بود. خدای متعال اگر بنده‌ای را خلق کرده، قبل از اینکه او را خلق کند، رزق او را آماده کرده‌است. خدا که هیچ، شما هم وقتی میهمانی را دعوت می‌کنید، قبل از اینکه بیاید، غذای او را در خانه پخته‌اید، پس چگونه ممکن است که خدای متعال میهمانی را به این ضیافت بزرگ جهان خلقت دعوت کند، بدون اینکه غذای او را تدارک دیده باشد؟! این نوعی سوءظن نسبت به خدای متعال است. خدای متعال اگر بنده‌ای خلق می‌کند، رزق او را از پیش، تدارک دیده و آماده کرده‌است. پس اگر انگیزه‌ی کنترل جمعیت، مسأله‌ی گرسنگی است، این انگیزه کاملاً منتفی است. اما ممکن است انگیزه‌های دیگری در کار باشد که من مجالی برای وارد شدن به آنها ندارم. این را هم در جای خودش می‌توان بحث کرد که با انگیزه‌های دیگر، آیا کنترل جمعیت؛ آن هم نه به‌شکل استعماری که امروز وجود دارد، کار موجهی است یا خیر؟

امروزه همین کشورهای غربی که به ما توصیه‌ی کنترل جمعیت و جلوگیری از به‌وجود آمدن فرزند می‌کنند، در کشورهای خودشان به خانواده‌هایی که فرزندان بیشتری داشته باشند، جایزه می‌دهند و در مقابل، از طریق کارشناسان اقتصادیشان و از طریق چهره‌های وابسته به کشورهای غربی که در داخل کشورهای اسلامی دست‌اندرکار اداره‌ی حکومت‌ها و دولت‌ها هستند، به جهان اسلام فشار بسیار جدی وارد می‌آورند تا هرطور شده افزایش جمعیت مسلمانان را کنترل کنند؛ زیرا آنطور که خودشان برآورد کرده‌اند، چند دهه‌ی دیگر، تعداد مسلمانان نسبت به تمام اقوام دیگر دنیا، بیشتر خواهد بود. آنها می‌خواهند این اتفاق نیفتد. آنها می‌خواهند از یک‌طرف، به‌نحوی از افزایش جمعیت عظیم مسلمانان دنیا جلوگیری شود و از طرف دیگر، آمار صهیونیست‌ها، مسیحی‌ها و یهودی‌ها را بالا ببرند. این‌ها ترفندهایی‌ست که حقیقتاً پشت قضایای کنترل جمعیت پنهان است. در این زمینه، مطالب زیادی برای گفتن وجود دارد؛ اما الآن مجال برای ورود به بحث‌های سیاسی و اجتماعی نداریم؛ ولی این بحث‌ها قابل مطالعه است و کنترل جمعیت به‌خاطر مشکل گرسنگی به آن شکلی که مطرح شده، واقعاً قابل دفاع نیست.

همین الآن در داخل کشور خودمان، مسأله‌ی کنترل جمعیت، دارد معضل بزرگی را ایجاد می‌کند. کنترل جمعیتی که دولت در طول این سال‌ها اعمال کرد، در بین شیعیان اجرا شد. بروید آمار مناطق اهل سنت را مطالعه کنید؛ ببینید چه اتفاقی افتاده است. خانواده‌های اهل سنت هر یک هیجده تا، بیست‌وچهار تا بچه دارند. خانواده‌های شیعه چطور؟! یک بچه بس است! دو تا زیاد است! سه تا که اصلاً حرفش را هم نزن! همین الآن آماری که خود وزارت کشور گرفته‌است، نشان می‌دهد که آمار سنی‌ها در ایران به شکل وحشتناکی دارد بالا می‌رود. حال، در کشوری که رأی مردم، همه چیز را تعیین می‌کند، فکر کنید در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد؟ خیلی هم زمان نمی‌برد. لذا چنانکه گفتیم، حرف‌های بسیار پیچیده‌ی سیاسی پشت این قضیه است.

**پرسش پنجم:** شخصی که می‌داند خدای متعال میزان خاصی از رزق را برای او و خانواده‌اش مقدر کرده است، اگر تعداد فرزندانش را کنترل کند که آن رزق به همه به مقدار کافی برسد، آیا خلاف آن نظام عمل کرده است؟

**پاسخ:** یک وقت شما رزق را ثمره‌ی تلاش خودتان یا شرایط اقتصادی و اجتماعی خودتان می‌بینید. از این منظر، این حرف درست است که من فلان قدر ثروت دارم و اگر بچه‌هایم زیاد شوند، باید این ثروت بین تعداد بیشتری تقسیم شود و در نتیجه، بچه‌ها باید با گرسنگی و محرومیت رشد کنند، پس تعداد بچه‌ها را پایین نگه می‌دارم تا موجودی من بین تعداد کمتری تقسیم شود و آنها بتوانند با رفاه نسبی رشد کنند. این مربوط به زمانی است که شما در افق عالم خلق به محاسبه بپردازید؛ ولی وقتی در افق عالم امر، قضیه را نگاه کنید، ماجرا اینگونه نیست. چطور دولت سرش می‌شود وقتی تعداد بچه‌ها زیاد می‌شود، کوپن ارزاق خانواده‌ها را زیاد کند؟ -البته امروز به خاطر همین مسأله‌ی کنترل مولید، برای بیش از سه فرزند کوپن نمی‌دهند. - چطور دولت سرش می‌شود خانواده‌ای که تا دیروز دو نفر بودند و امروز به خاطر آوردن بچه، سه نفر شده‌اند، به مواد غذایی بیشتری نیاز دارند، پس کوپن ارزاقشان را بیشتر کنیم؛ یا دولت به چنین کارمندی حق عائله‌مندی و حق اولاد می‌دهد؛ چون می‌گوید هزینه‌ی او بیشتر شده و باید من هم برای تأمین هزینه به او کمک کنم؟ چطور دولت‌ها به این مسائل فکر می‌کنند، ولی خدای متعال وقتی خلقی را ایجاد می‌کند، به فکر این قضیه نیست؟!

**ادامه‌ی پرسش پنجم:** فقط غذا که نیست؛ امکانات آموزشی هم مطرح است.

**پاسخ:** نه، رزق فقط بحث شکم نیست؛ همه‌ی امکانات اقتصادی‌یی که [برای فرزند لازم است].  
یک وقت ما می‌گوییم خدا امکانات را در اختیار من قرار داد، ولی من این امکانات را بالفعل نکردم، آن را درست توزیع نکردم، ظالمانه آن را تقسیم کردم، در یک گوشه انباشت کردم و دیگران را در محرومیت قرار دادم. این‌ها مشکلاتی است که نظامات اجتماعی حاکم کرده است. این مربوط به وقتی است که ما در افق عالم خلق به قضایا نگاه می‌کنیم؛ یعنی خودمان را کاره می‌بینیم. اما وقتی از آن بالا، خدا را کاره می‌بینید، این‌گونه نیست. اگر خدا را کاره بدانید و واقعاً خدایی قدم بردارید، آن وقت

می‌بینید که امکانات فرهنگی هم برای این بچه تأمین شده است؛ یعنی همان خدایی که شکم این بچه را سیر می‌کند، مغز او را هم می‌تواند پُر کند؛ منتها ما رزاقیت خدا را باور نداریم. این حدیث امام صادق علیه السلام را قبلاً هم برایتان نقل کرده‌ام که فرمودند: پرنده‌هایی هستند که وسط صحاری خشک زندگی می‌کنند و غذای این پرنده‌ها، ماهی‌های ریزی‌ست که در اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند. طرف از صحبت امام علیه السلام تعجب کرد و گفت: یا بن‌رسول‌الله این چطور ممکن است؟! پرنده‌ای که وسط صحرای خشک و کویر زندگی می‌کند چگونه از ماهی‌یی که در اقیانوس است، تغذیه می‌کند؟ حضرت فرمودند: خدا ابرهای غلیظی را از این اقیانوس‌ها بلند می‌کند و این ماهی‌های ریز هم همراه این ابرها بلند می‌شوند. این ابر بالای سر این صحرا می‌آید و ماهی را تحویل پرنده می‌دهد. پرنده دهانش را رو به آسمان باز می‌کند و ماهی به دهانش می‌افتد. بعد حضرت فرمودند: به خدا سوگند، اگر شما یقینتان به رزاقیت خدا کامل بود، می‌دیدید که رزق برای شما راحت‌تر از این پرنده می‌آید. چون شما به رزاقیت خداوند اعتماد نکردید، دست به تقلّاهایی زدید که در نتیجه‌ی آن، رزقی که داشت به‌سوی شما می‌آمد، شما جاخالی دادید و به سمت دیگری رفتید. تو اگر آرام می‌گرفتی، رزق آمده بود. رزق داشت به طرف تو می‌آمد، تو به سمت دیگری دویدی، رزق رد شد و به آن نرسیدی.

**پرسش ششم:** پس می‌شود گفت وقتی تعداد فرزندان را کم نگاه‌داشتیم، خدا هم رزق کمتری می‌فرستد.

**پاسخ:** این هم یک تعبیر است. وقتی شما از این طرف تعداد مصرف‌کننده‌ها را کم کردی، از آن طرف هم سهمیه‌ی شما کم می‌شود. منتها همانطور که عرض کردم، من بحث کنترل موالید را از این منظر نقد کردم. از منظرهای دیگر هم قابل بحث است. ولی از منظر گرسنگی و کمبود منابع غذایی که عمده‌ی بحثی است که غربی‌ها برای کنترل موالید مطرح می‌کنند و جنبه‌ی اقتصادی دارد، از این جنبه، کنترل موالید را به صورت جدی قابل ایراد می‌دانم.

در مکانیسم آفرینش، خودبه‌خود، کنترل موالید اتفاق می‌افتد. بعضی خانواده‌ها را دیده‌اید که هیچ‌گونه کنترلی ندارند؛ ولی دو یا سه فرزند بیشتر ندارند؟ یعنی خود خدا به تناسب شرایط جسمی و فیزیکی



این زن و شوهر و ویژگی‌هایی که در آنها هست، به نحوی این مکانیزم کنترل را اعمال می‌کند. ولی در بعضی موارد هم خانواده‌ای هستند که می‌توانند تعداد زیادی فرزند داشته باشند و فرزندان خوب و شایسته تربیت کنند. آنجا خدا امکان می‌دهد که فرزندان زیاد به وجود بیایند. بعلاوه، کنترلی که اعمال می‌کنند، عوارض زیادی دارد. عوارض جسمی و روحی زیادی برای خانمی که محدود شده است، دارد. خانمی که ظرفیت باروری بیش از این را داشته و محدود کرده است و این محدودیت بعداً به شکل بیماری‌های مختلف جسمی و روانی ظهور می‌کند.

**پرسش ششم:** فرمودید کشورهای ثروتمند برای بالا نگه داشتن قیمت محصولات کشاورزی مقدار زیادی از محصولاتشان را در اقیانوس‌ها می‌ریزند و در نتیجه بخشی از انسان‌ها به فقر و گرسنگی دچار می‌شوند. آیا گرسنگان آفریقایی هم رزقشان را خدا متناسب با حالشان و در راستای تعالی آنها تعیین کرده است؟

**پاسخ:** بله؛ منتها اگر آنها راه می‌افتادند و طوری که باید و شاید کار می‌کردند، اهم مانع به غارت رفتن ثروتشان می‌شدند و حقشان را از غارتگران پس می‌گرفتند و با کار و کوشش از منابع طبیعی‌شان بهره‌مند می‌شدند و از فقر نجات پیدا می‌کردند و هم با این رفتار متناسب با دستورالعمل الهی به تعالی و رشد می‌رسیدند.

البته کسانی که این گندم‌ها را در اقیانوس‌ها ریخته‌اند، در پیشگاه الهی مسؤول هستند؛ چون وقتی خدا آنها را ثروتمند کرد، به آنها گفت که با این ثروت چگونه برخورد کنند. گفت: برو انفاق کن، برو به فقرا و نیازمندان بده. نگفت به خاطر اینکه قیمت گندم را بالا نگه‌دارید، آن را در دریا بریزید. آنها هم مسؤول هستند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ